

ازدواج با بانوان شوهردار هم برایتان حرام است؛ مگر کنیزی که شوهر دارد.<sup>۱</sup> این احکام را خدا برایتان واجب کرده است. غیر از بانوان نام برده<sup>۲</sup> بانوان دیگر برایتان حلال اند و آزادید که با پرداخت مهریه و رعایت پاک دامنی و خودداری از روابط نامشروع، با آن‌ها ازدواج کنید.

به بانوانی هم که با آن‌ها ازدواج موقت می‌کنید، واجب است مهریه توافقی شده را بپردازید؛ البته کم‌وزیاد کردن مبلغ مهریه یا مدت ازدواج، پس از توافق اولیه، با رضایت دو طرف اشکالی ندارد.<sup>۳</sup> بله، خدا دانای کار درست است.<sup>۳۴</sup> هر کدامتان که از نظر مالی توانایی کافی برای ازدواج با بانوان پاک دامن آزاد ندارد، با کنیزان مسلمانی ازدواج کند که دیگران صاحبشان اند. البته خدا از ایمانتان آگاه‌تر است. همگی تان اعضای یک پیکرید؛ پس با اجازه صاحبانشان با آنان ازدواج کنید و مهریه‌شان را منصفانه و محترمانه به خودشان بدهید. البته بهتر است با کنیزان پاک دامنی ازدواج کنید که روابط نامشروع یا دوست پسر ندارند.

وقتی کنیزان بتوانند پاک دامن باشند،<sup>۴</sup> اگر باز هم به کار زشت زنا آلوده شدند، مجازاتشان نصف مجازات بانوان آزاد است.

پیشنهاد ازدواج با کنیزان، برای آن‌هایی است که به علت بی‌همسری، می‌ترسند دچار فشارهای روحی و جسمی شوند. باین همه، اگر صبر کنید و با کنیزان ازدواج نکنید، برایتان بهتر است.<sup>۵</sup> خدا آمرزندهٔ مهربان است.<sup>۲۵</sup>

خدای خواهد احکام زندگی را برایتان توضیح دهد و به راه و رسم‌های درست پیشینیان راهنمایی تان کند و نظر لطف بر شما بیندازد. آخر، خدا دانای کار درست است.<sup>۲۶</sup>

۱. اگر مسلمانی با خریدن یا اسیر گرفتن، صاحب کنیزی می‌شد، رابطهٔ کنیز با شوهرش بدون خواندن طلاق قطع می‌شد و بدون خواندن عقد به مسلمان محرم می‌شد؛ اما تا عده‌اش تمام نمی‌شد، نمی‌توانستند نزدیکی کنند. در ضمن، در جماع‌ای که برده‌داری بی‌قید و بند رایج بوده است، احکامی مانند همین نگه داشتن عده را باید مترقی دانست.

۲. منظور پانزده گروه زنانی است که در این آیه و دو آیهٔ قبلیش نام برده شد.

۳. البته اگر توافق کنند که مدت ازدواج را بیشتر کنند، مرد باید مدت باقی مانده را به زن ببخشد. بعد، دوباره عقد جدید بخوانند. در ازدیاد مبلغ مهریه هم می‌توانند مصالحه کنند.

۴. یعنی زمینۀ پاک دامنی برایشان فراهم باشد و صاحبانشان به روابط نامشروع مجبورشان نکنند. آیهٔ ۳۳ سورهٔ نور (ص ۳۵۴) هم در این باره است.

۵. چون برای کنیز خیلی سخت است که هم خدمتکار صاحبش باشد و هم همسر فردی دیگر. فقر فرهنگی کنیزان و مشکلات حقوقی فرزندانشان را هم باید در نظر گرفت.

بله، خدا می‌خواهد به شما لطف کند؛ اما کسانی که خودشان اسیر شهوت پرستی‌اند، می‌خواهند شما مسلمانان هم به‌کلی در دام انحراف‌های اخلاقی بیفتید! ۲۷

خدا می‌خواهد با آسان‌گیری در برنامه ازدواج، کارت‌ان را راحت کند؛ زیرا انسان در برابر شهوت‌های جنسی، ضعیف و کم‌اراده آفریده شده است. ۲۸  
مسلمانان! اموال همدیگر را با کلاهبرداری و از راه نامشروع به جیب نزنید؛ البته اگر معامله‌ای با رضایت خودتان و از راه شرعی صورت بگیرد، تصرف در مال درست است.

خودکشی یا کشتن همدیگر نیز ممنوع! خدا همیشه با شما مهربان است. ۲۹  
هرکس از روی سرکشی و ستم، به جان و مال مردم بیفتد، در آتشی مهیب سرخ‌وسوخته‌اش خواهیم کرد و این کار برای خدا آسان است. ۳۰  
از گناهان بزرگی که از ارتکابش نهی می‌شود، اگر کاملاً دوری کنید، گناهان کوچکی را که از دستتان در رفته است، بدون توبه محو می‌کنیم<sup>۱</sup> و در جایگاهی شایسته جایتان می‌دهیم. ۳۱

خدا شما را با ویژگی‌های مختلف بر همدیگر برتری داده است. از سرِ حسادت و تنگ‌نظری، برتری‌های همدیگر را آرزو نکنید. بهره‌ای نصیب مردها می‌شود در نتیجه کار و تلاششان. بهره‌ای هم نصیب زن‌ها می‌شود در نتیجه کار و تلاششان.<sup>۲</sup>  
به جای حسادت و آرزوهای بیهوده، نعمت‌های تمام‌نشدنی خدا را از خودش بخواهید. آخر، خدا همه آرزوها و تلاش‌هایتان را می‌داند. ۳۲

برای هر انسانی وارثانی معین کرده‌ایم: پدر و مادر و قوم و خویش و کسانی که به آن‌ها تعهد<sup>۳</sup> داده‌اید. پس سهم هر کدامشان را بپردازید؛ چون خدا شاهد همه چیز است. ۳۳

۱. زیرا با توبه، خدا از «همه» گناهان می‌گذرد. توبه یعنی: ۱. پشیمانی؛ ۲. تکرار نکردن؛ ۳. جبران خراب‌کاری‌ها.

۲. پس، هم ویژگی‌های خدادادی مهم است و هم تلاش خود انسان.

۳. یعنی تعهدهای ازدواج، عتق، ضمان جریزه و امامت. توضیح این تعهدها در کتاب‌های فقهی آمده است.

مدیریت خانواده<sup>۱</sup> با مرد خانه یعنی شوهر است؛ چون خدا نوعاً مردان را از نظر توان و تصمیم‌گیری در موفقیت‌های حساس، مقدّم بر بانوان قرار داده است و نیز برای آنکه هزینه‌های زندگی را مردان تأمین می‌کنند.<sup>۲</sup> بانوان شایسته همیشه گوش به فرمان شوهرانشان اند<sup>۳</sup> و به پاس حقوقی که خدا برای زن در نظر گرفته، نگهدارِ اسرار و آبروی خانواده‌اند. بانوانی را که نشانه‌های نافرمانی و ناسازگاری در آن‌ها می‌بینید، اول نصیحتشان کنید. اگر اثر نکرد، به آن‌ها در رختخواب بی‌محلّی کنید و اگر باز هم فایده نداشت، ملائیم و محدود تنبیهشان کنید.<sup>۴</sup> اگر در هر مرحله‌ای از شما اطاعت کردند، دنبال بهانه‌ای برای ادامه دادن اذیتشان نباشید، که خدا بلندمرتبه بزرگ است.<sup>۳۴</sup> اگر نگران قهر و جدایی زن و شوهر بودید، یک داور از طرف خانواده مرد و یک داور از طرف خانواده زن تعیین کنید تا به اختلافشان رسیدگی کنند. اگر داوران قصد سازش دادن داشته باشند، خدا موفقشان می‌کند؛ زیرا خدا نیت‌ها و کارهایتان را می‌داند و از آن‌ها کاملاً آگاه است.<sup>۳۵</sup>

خدا را عبادت کنید و چیزی را به جای او نپرستید و تا می‌توانید در خدمت پدر و مادر باشید. در خوبی کردن به اینان هم سنگ تمام بگذارید: قوم و خویش، یتیمان، نیازمندان، همسایه‌هایی که فامیل شمایند، حتی همسایه‌هایی که نسبت فامیلی با شما ندارند، همنشین‌ها،<sup>۶</sup> مسافران و بردگان. خدا خیال باف‌های خودپسند را دوست ندارد؛<sup>۳۶</sup> همان کسانی که بخل می‌ورزند و دیگران را هم به بخیل بودن تشویق می‌کنند و نعمت‌هایی را که خدا از سر بزرگواری به آن‌ها داده است، کتمان می‌کنند. برای چنین بی‌دین‌های نمک‌نشناسی، عذابی خفت‌بار آماده کرده‌ایم.<sup>۳۷</sup>

۱. مدیریت جامعه و کارهایی که در آن باید دائم با مردم سروکله زد هم به دو دلیل به‌عهده مردان است: ۱. توانمندی طبیعی و بدنی مردان؛ ۲. آسانی ارتباط با مردم برای مردان. در این باره، آیه ۲۲۸ سوره بقره (ص ۳۶) را هم ببینید.
۲. البته سپردن مسئولیت اداره خانواده و جامعه به مردان، لزوماً امتیاز و افتخاری برایشان نیست؛ برای همین، نه مردان باید مغرور شوند و نه زنان، سرخورده. فقط بندگی خدا مایه برتری و امتیاز زن و مرد است.
۳. بنا بر فقه اسلامی، زن فقط در دو چیز باید اطاعت کامل از شوهر کند: امور زناشویی و بیرون رفتن از خانه.
۴. تنبیه بدنی زن نباید از روی خشونت و عقده‌گشایی باشد یا با تحقیر و فحاشی همراه شود. نیز نباید سرخی، کبودی، زخم، خون‌ریزی و شکستگی ایجاد کند؛ بلکه باید به اندازه‌ای باشد که زن به خودش بیاید و متوجه رفتار ناپسند خود شود.
۵. سه آیه برای حل سه ناسازگاری: ۱. آیه قبل: چگونگی رفتار در برابر ناسازگاری زن؛ ۲. این آیه: راه حل ناسازگاری زن و شوهر؛ ۳. آیه ۱۲۸ همین سوره: شیوه برخورد با ناسازگاری شوهر.
۶. مانند همسر و فرزند و همکار و هم‌کلاس و شریک و ...

همچنین، آن‌ها همان کسانی‌اند که اموالشان را برای خودنمایی انفاق می‌کنند. نه خدا را باور دارند و نه روز قیامت را. شیطان همنشین این ریاکارهاست و اگر شیطان همنشین کسی باشد، بد همنشینی است او! ۳۸

چه می‌شد که آن‌ها خدا و روز قیامت را باور داشتند و از چیزهایی که خدا روزی‌شان کرده است، بدون بخل و ریا، در راه خدا هزینه می‌کردند؟! خدا نیت‌ها و کارهایشان را می‌داند. ۳۹

همین خدا به اندازه ذره‌ای به بندگانش ستم نمی‌کند و اگر کوچک‌ترین کار خوبی هم باشد، چندین برابرش می‌کند و از پیش خودش هم پاداشی بزرگ می‌دهد. ۴۰  
وقتی در قیامت، از هر ملتی شاهدی بر کارهایشان حاضر کنیم و تو را هم شاهد کارهای همگان، احوال مردم چطور خواهد بود؟! ۴۱ آن روز، کسانی که در دنیا بی‌دینی کردند و پیامبر را نافرمانی، آرزو می‌کنند با خاک یکسان می‌شدند و چنین روزی را نمی‌دیدند. بله، با این همه شاهد، دیگر نمی‌توانند هیچ حرفی را کتمان کنند! ۴۲

مسلمانان! برای خواندن نماز، در حال مستی داخل مسجد نشوید تا وقتی که بدانید در نماز چه می‌گویید.<sup>۱</sup> در حال جنابت هم پا به مسجد نگذارید تا اینکه غسل کنید؛ مگر آنکه فقط قصد عبور از مسجد داشته باشید.  
اگر بیمار بودید و آب برایتان ضرر داشت، یا در سفر بودید و آب پیدا نکردید، آن وقت، در دو جا، با خاک پاک تیمم کنید: بعد از اینکه از دست شویی آمدید یا اینکه با بانوان تماس جنسی داشتید.

تیمم این‌طور است: دو کف دست را روی خاک بزنید و به پیشانی و پشت دست‌هایتان بکشید. بله، خدا خطاب‌خشی باگذشت است.<sup>۲</sup> ۴۳  
مگر ندیدید یهودی‌هایی که بهره کمی از تورات برده‌اند، خریدار گمراهی‌اند و دوست دارند که شما هم از مسیر حق منحرف شوید؟! ۴۴

۱. از این جمله می‌فهمیم که بهتر است نمازگزار در هر حالی که از هوشیاری لازم و تمرکز حواس کافی برخوردار نباشد، از خواندن نماز خودداری کند، مانند حال خواب‌الودگی، کسالت، کم‌توجهی و پرخوری.

۲. آیه بعد تا آیه ۵۸، بعضی افراد خودپسند و متکبری را توصیف می‌کند که درباره‌شان در آیه‌های ۳۶ تا ۴۲ همین سوره خواندیم.

خدا دشمنانتان را بهتر می‌شناسد و همین بس، بلکه همین بس که خدا خودش حامی و یاورتان باشد. ۴۵ آن دشمنان یهودی‌هایی‌اند که با دهن‌کجی و از سر کینه‌توزی به پیامبر می‌گفتند: «از تو گفتن و از ما نشنیدن!» و با تغییر لحن و به‌کار بردن عبارتهای دوپهلو او را مسخره می‌کردند. البته هدف اصلی‌شان بی‌ادبی و طعنه‌زدن به اسلام بود!

اگر به جای این‌ها می‌گفتند: «گوش به فرمان توایم»، «ایمان آوردنمان را بشنو» و «هوایمان را داشته باش»، برای‌شان بهتر و منطقی‌تر بود؛ ولی خدا برای بی‌دینی‌شان لعنتشان کرد. همین است که جزء ۴۶ کمی از آن‌ها اسلام نمی‌آورند. ۴۶

اهل کتاب! به کتابی که فرستاده‌ایم و تأییدکننده همان تورات و انجیلی است که دست شماست، ایمان بیاورید؛ قبل از آنکه فهم آدم‌هایی مثل شما را کور کنیم و در نتیجه به عقب‌گرد وادارشان کنیم یا همان‌طور که حرمت‌شکن‌های شنبه را لعنت کردیم، آن‌ها را نیز لعنت کنیم؛<sup>۲</sup> زیرا دستور خدا همیشه عملی می‌شود! ۴۷

خدا این عقیده را که برایش در کاروبار عالم شریکی قائل باشند، بی‌توبه نمی‌آمرزد؛ ولی گناهان دیگر را برای هرکه صلاح بداند، حتی بی‌توبه می‌بخشد!<sup>۳</sup> بلکه، هرکه برای خدا شریکی قرار بدهد، سهل‌انگاری بزرگی کرده است! ۴۸

ندیدی یهودی‌های نژادپرستی را که از خودشان تعریف می‌کنند؟! این‌طورها نیست. خداست که هرکس را شایسته بداند، می‌ستاید و به اندازه سر‌مویی به آن‌ها ستم نمی‌شود. ۴۹ بین که چطور به خدا نسبت دروغ می‌دهند<sup>۴</sup> و همین‌که این خودستایی را منتسب به خدا می‌دانند، بس است برای اثبات اینکه این یک سهل‌انگاری فاحشی باشد. ۵۰ مگر ندیدی همین یهودی‌هایی که بهره‌ناچیزی از تورات برده‌اند، به بت‌ها ایمان می‌آورند. تازه برای خوشایند بت‌پرست‌ها ادعا می‌کنند که بت‌پرست‌ها از مسلمانان هدایت‌یافته‌ترند؟! ۵۱

۱. مانند «إِسْمَعِ عَزِيزٌ مُّسْمِعٌ» به معنای «بشنو که نشنوی!» یک عبارت کاملاً دوپهلو که ما در فارسی امروزی معادل رایجی برایش نیافتیم. «نشنوی» یعنی خبر خوب نشنوی یا خبر بد نشنوی و مانند «راعنا» که منظور از آن را در پاورقی آیه ۱۰۴ سوره بقره (ص ۱۶) توضیح داده‌ایم.

۲. داستان‌شان در آیه‌های ۱۶۳ تا ۱۶۶ سوره اعراف (ص ۱۷) آمده است.

۳. اما با توبه، خدای مهربان همه گناهان را می‌بخشد: آیه ۵۳ سوره زمر (ص ۴۶۴).

۴. ادعاهایی که به خدا نسبت می‌دادند، کم نبود! پاورقی آیه ۸۰ سوره بقره (ص ۱۲) را ببینید.

این‌ها را خدا لعنت کرده است و هر که را خدا لعنت کند، هرگز یآوری برایش پیدا نخواهی کرد. ۵۲ مگر آن‌ها سهمی از قدرت و ثروت دارند؟! که اگر هم داشتند، سرسوزنی به مردم نمی‌دادند! ۵۳ یا اینکه به پیامبر و اهل بیتش، برای جایگاهی که خدا از سر بزرگواری به آن‌ها داده، حسودی می‌کنند؟! چه حسادت بیجایی! ما که به پیامبران ابراهیمی<sup>۱</sup> هم کتاب و حکمت<sup>۲</sup> دادیم و حکومت قدرتمندی در اختیارشان گذاشتیم. ۵۴

به هر حال، عده‌ای از آن‌ها به پیامبر ایمان آوردند. بعضی هم از او رو گرداندند و همین بس که جهنم سوزان جزایشان باشد. ۵۵

بله، بی‌دین‌ها، به‌ویژه یهودی‌هایی را که آیه‌ها و نشانه‌های ما را باور نکردند، در آتشی مهیب سرخ و سوخته خواهیم کرد. هر وقت پوستشان جزغاله شود، پوست تازه به جایش می‌رویانیم تا دم‌به‌دم عذاب را بچشند! بله، خدا شکست‌ناپذیر کار درست است. ۵۶ اما کسانی را که ایمان آوردند و کارهای خوب کردند، به باغ‌هایی پردرخت خواهیم برد که در آن‌ها جوی‌ها روان است و همیشه آنجا ماندنی‌اند. در آنجا، همسرانی زیبا و پاک دارند و زیر سایه‌هایی دلپذیر و آرام بخش جایشان می‌دهیم. ۵۷

خدا به شما دستور می‌دهد که تمام امانت‌ها<sup>۳</sup> را به وقتش به صاحبانش برگردانید. وقتی هم بین مردم داوری می‌کنید، عادلانه داوری کنید. خدا چه پندهای گران‌بهایی به شما می‌دهد! همان خدا امانت‌داری‌هایتان را می‌بیند و قضاوت‌هایتان را می‌شنود. ۵۸ مسلمانان! از خدا اطاعت کنید و نیز از پیامبر و امامان معصوم فرمان ببرید و هر وقت در چیزی اختلاف کردید، برای حلش به کتاب خدا و سنت پیامبر مراجعه کنید؛ البته اگر به خدا و روز قیامت معتقدید. عمل به این‌ها خوبی و خوش‌عاقبتی را برایتان به همراه می‌آورد. ۵۹

۱. منظورش پیامبرانی از نسل حضرت ابراهیم است: داوود، سلیمان، یوسف، موسی، عیسی و پیامبران بنی اسرائیل علیهم‌السلام.

۲. برای توضیح حکمت، نگاه کنید به پاورقی آیه ۱۲۹ سوره بقره (ص ۲۰).

۳. رعایت امانت به چیزهای مالی محدود نمی‌شود و مسائل اعتقادی، اخلاقی، اجتماعی، حکومتی و فردی را هم در بر می‌گیرد. دستورهای دینی، سیاست‌های اجتماعی و سیاسی، اموال عمومی، اسرار و آبروی مردم، زمان و عمر، دانش‌ها و تجربه‌ها، اعضا و جوارح انسان و... نمونه‌هایی از امانت‌های الهی است که باید به درستی و با جدیت در حفظ آن‌ها کوشید.

کسانی که به خیال خام خود به قرآن و کتاب‌های آسمانی قبل از تو ایمان آورده‌اند، مگر ندیدی که برای داوری در حل اختلافاتشان می‌خواهند به طاغوت<sup>۱</sup> مراجعه کنند؟! با آنکه دستور مؤگد به آن‌ها داده شد که از رفتن پیش طاغوت خودداری کنند. بله، شیطان می‌خواهد آن‌ها را در گرداب بی‌پایان گمراهی بیندازد! ۶۰

وقتی به آن‌ها بگویی: «برای داوری در حل اختلافات خودتان به سمت قرآن و پیامبر بیاوید»، منافق‌ها را می‌بینی که از پذیرش دعوتت به شدت خودداری می‌کنند! ۶۱

وقتی در نتیجه رفتن پیش طاغوت به در دسر می‌افتند و برای توجیه این کار زشتشان پیشت می‌آیند، دیگر با چه رویی به خدا قسم می‌خورند که: «جز خیرخواهی و سازش بین دو طرف دعوا، منظوری نداشته‌ایم»؟! ۶۲ خدا که می‌داند در دلشان چه می‌گذرد! پس، از آن‌ها کناره بگیر؛ ولی پندشان بده و وقتی تنه‌ایند، با حرف‌هایی شفاف راهنمایی‌شان کن. ۶۳

هر پیامبری فرستادیم، بدون استثنا، واجب بود که به فرمان خدا اطاعتش کنند. این منافق‌هایی که با مراجعه به طاغوت به خودشان جفا کردند، اگر به جای توجیه کارهایشان، پیشت می‌آمدند و از خدا آمرزش می‌خواستند و پیامبر هم برایشان آمرزش می‌خواست، آن وقت می‌دیدند که خدا توبه‌پذیری مهربان است. ۶۴

نه، به خدا قسم! آن‌ها ایمان واقعی نمی‌آورند؛ مگر آنکه در دعواهایشان فقط تورا به داوری انتخاب کنند و تازه، از رأیی که می‌دهی، در دل احساس ناراحتی نکنند و در عمل هم، در بست تسلیم حکم تو باشند. ۶۵

۱. سران طاغوت، دادگاه‌های طاغوت و حتی جادوگران و فالگیران و هرکسی که مدعی غیب‌گویی است، مصداق طاغوت است و مراجعه به او، حرام.

۲. این آیه توسل و شفاعت را تأیید می‌کند: آمدن توبه‌کاران به محضر پیامبر ﷺ و دست‌به‌دامان او شدن، توسل است و طلب آمرزش پیامبر ﷺ برای آنان، شفاعت.

این که دین آسانی است. اگر بر آن‌ها واجب کرده بودیم که: «همدیگر را بکشید یا ترک وطن کنید»<sup>۱</sup> باز هم جزعه کمی از آن‌ها اطاعت نمی‌کردند. اگر به پندهایی که به آن‌ها می‌دهند، عمل می‌کردند، برایشان بهتر بود و در تثبیت ایمانشان، مؤثرتر. ۶۶ در آن صورت، پاداشی بزرگ از طرف خودمان به آنان می‌بخشیدیم ۶۷ و آنان را به راه درست زندگی می‌بردیم. ۶۸

آنانی که در همه حال از خدا و پیامبر اطاعت کنند، هم مسیر با افرادی اند که خدا به آنان نعمت ویژه داده است؛ یعنی با پیامبران و آدم‌های با صداقت و شاهدان اعمال و شایستگان. آنان خوب رفقایی در مسیر شدند! ۶۹ این همه لطف از طرف خداست و همین بس که خدا احوال بندگان را می‌داند. ۷۰

مسلمانان! آمادگی و هوشیاری خود را در برابر دشمن حفظ کنید و با توجه به اوضاع، گروه‌گروه یا همگی دسته‌جمعی به جبهه‌ها بروید. ۷۱

البته بین شما کسانی پیدا می‌شوند که در رفتن به جبهه کوتاهی می‌کنند. آن وقت اگر شکست بخورید و تلفاتی بر شما وارد شود، ذوق‌زده می‌گویند: «خدا به ما رحم کرد که همراهشان نبودیم!» ۷۲ اما اگر پیروزی و غنیمتی از طرف خدا نصیبتان شود، درحالی‌که انگارانه‌انگار بین شما و آن‌ها آشنایی و ارتباطی بوده، ماتم‌زده می‌گویند: «ای کاش ما هم همراهشان بودیم و سهم فراوانی از غنیمت به دست می‌آوردیم!» ۷۳

کسانی که زندگی پست دنیا را به قیمت به دست آوردن آخرت می‌فروشند، باید در راه خدا بجنگند. به هرکه در راه خدا بجنگد و شهید شود یا پیروز، پاداشی بزرگ هدیه خواهیم داد. ۷۴

۱. خدای انتقام‌گیرنده، بعضی از ملت‌های گذشته را با مجازات‌های سختی مثل کشتن هم یا ترک وطن تنبیه می‌کرد؛ مانند یهودی‌های زمان موسی علیه السلام که بعد از پرستش گوساله، موظف شدند که گوساله پرست‌هایشان را بکشند. نگاه کنید به آیه ۵۴ سوره بقره (ص ۸).



چه تان شده که در راه خدا و نجات مردان و زنان و کودکان مستضعفی که زیر سلطه دشمن اند، نمی جنگید؟! آن مستضعفان همیشه از خدا خواسته اند: «خدایا، ما را از این شهری که مردمش ستمکارند، بیرون ببر و از طرف خودت، بله از طرف خودت یار و یآوری برای ما قرار بده.» ۷۵

کسانی که ایمان واقعی دارند، در راه خدا می جنگند و کسانی که بی دین اند، در راه طاغوت می جنگند. با یاران شیطان بجنگید که پیروزی از آن شماست؛ چون که نقشه شیطان نقش بر آب است. ۷۶

به کسانی که قبل از آمدن دستور جهاد، خواهان جنگ با ستمکارها بودند، گفته شد: «فعلاً دست نگه دارید و نماز را درست بخوانید و صدقه بدهید.» همین که دستور جنگ صادر شد، مگر ندیدی گروهی از آن ها همان قدر از دشمن ترسیدند که باید از خدا ترسید و حتی بیشتر! پس اعتراض کردند: «خدایا، چرا جنگ را بر ما واجب کردی؟! چرا این چندروزه دنیا را به ما مهلت ندادی؟!»

بگو: «خوشی های زندگی دنیا ناچیز و زودگذر است؛ در حالی که سرخوشی های آخرت برای خودمراقبان بهتر است. در آنجا سر مویی هم به شما ستم نمی شود. ۷۷ هر کجا باشید، اگر چه در ساختمان های بلند و محکم، مرگ سراغتان می آید!» هر زمان خوشی و نعمتی نصیبشان شود، می گویند: «این از طرف خداست» و اگر سختی و بلایی دامن گیرشان شود، می گویند: «این از پا قدم نحس توست!» بگو: «همه اش از طرف خداست.» این جماعت چه شان شده که این قدر دیر یک مطلب را می فهمند؟! ۷۸

هر خوشی و نعمتی شامل حال می شود، سبب سازش خداست؛ ولی هر حادثه تلخی برایت پیش بیاید، سبب سازش خودت هستی.<sup>۱</sup> تو را برای مردم، به پیامبری فرستادیم و همین بس که خدا گواه باشد. ۷۹

۱. همه حوادث خیر و شرّ عالم از طرف خداست و به قول حافظ:

گر رنج پیشت آید و گر راحت، ای حکیم  
نسبت مکن به غیر که این ها خدا کند  
خدای مهربان منشأ همه خوبی های عالم است؛ از این رو علاوه بر آنکه رخدادهای خیر از طرف خداست، سبب سازش هم خداست؛ اما حوادث ناگوار از طرف خداست، ولی سبب سازش کارهای خود انسان است: خدای مهربان ابتدا به انسان نعمت می دهد؛ ولی با ناشکری و کارهای بد انسان، آن نعمت ها را پس می گیرد و او را دچار سختی ها و مصیبت هایی می کند. البته سختی هایی که انسان برای امتحان و نه تنبیه به آن ها مبتلا می شود، جای خودش را دارد.

هرکه از پیامبر اطاعت کند، در واقع از خدا اطاعت کرده و هرکه سرپیچی کند، مسئولیتش با خودش است. تو را هم نفرستاده‌ایم تا مراقبشان باشی! ۸۰

رودر روی تو می‌گویند: «گوش به فرمانیم!» ولی تا از پیشت بیرون می‌روند، عده‌ای از آن‌ها جلسه‌های مخفی شبانه‌ای در جهت خلاف گفته‌های تو تشکیل می‌دهند. خدا توطئه‌های شبانه‌شان را ثبت می‌کند؛ بنابراین اعتنا نکن به آن‌ها و توکل کن به خدا. همین بس که خدا حامی‌ات باشد. ۸۱

پس چرا درباره همه قرآن به صورت جامع فکر نمی‌کنند؟! اگر از طرف غیر خدا بود، ناهماهنگی بسیاری در آن پیدا می‌کردند. ۸۲

وقتی خبری از پیروزی یا شکست رزمندگان به دستشان برسد، فوری بین مردم پخشش می‌کنند؛ در صورتی که اگر راست و دروغ چنین اخباری را از پیامبر و مسئولان امر جویا شوند، آنان درستی و نادرستی و چگونگی اطلاع‌رسانی‌اش را تشخیص می‌دهند. اگر خدا با این سفارش‌ها، در حقتان لطف و بزرگواری نکند و از شیطنت منافقان پرده برندارد، با تبلیغات منفی‌شان بیشترتان گول شیطان را می‌خورید. ۸۳

به هر حال، یک‌تنه در راه خدا مبارزه کن: تو فقط مسئول ادای وظیفه خودت هستی. البته مسلمانان را به حضور در جبهه تشویق کن؛ به امید اینکه خدا شر دشمنان بی‌دین را از سرتان کم کند. آخر، قدرت خدا بیشتر است و مجازاتش زجرآورتر. ۸۴

هرکس واسطه کار خیری شود، سهمی از آن می‌برد و هرکس واسطه کار شری شود، در آن شریک است؛ چون که خدا مراقب همه چیز و همه کاری هست. ۸۵

چنانچه سلام و تعارفی با شما کردند، یا به صورتی بهتر جواب دهید یا دست‌کم به همان صورت؛ زیرا خدا همه چیز را محاسبه می‌کند. ۸۶

۱. پخش شایعه و خبرهای دروغ در جامعه اسلامی ما متأسفانه رایج‌تر از گذشته شده است. خیلی‌ها، به جای زندگی آرام و عاقلانه، جذب خبرهای هیجانی و غافلگیرانه می‌شوند. رسانه‌ها و شبکه‌های بدخواه خارجی هم، تا می‌توانند، خبرهای حاشیه‌ای و التهاب‌آفرین را با بزرگ‌نمایی منتشر می‌سازند. در این شلوغ‌بازار پردروغ و پرشایعه، عمل به این سفارش قرآن بسیار راهگشاست.

جز خدا هیچ معبودی نیست. او روز قیامت حتماً جمعتان می‌کند که جای هیچ شک و شبهه‌ای در آمدنش نیست. از خدا راستگوتر کیست؟ ۸۷

چه تان شده که درباره منافقان دچار دودستگی شده‌اید؟! با اینکه خدا به سزای کارهای زشتشان سرنگونشان کرده است. یعنی می‌خواهید کسانی را به راه بیاورید که خدا به حال خود رهایشان کرده؟! کسانی را که خدا به حال خودشان رها کند، هیچ راهی برای نجاتشان پیدا نخواهی کرد! ۸۸

آرزو می‌کنند همان طور که خودشان بی‌دین‌اند، شما هم بی‌دین شوید تا مثل هم باشید! پس، با منافقانِ فتنه‌گر خارج‌نشین طرح دوستی نریزید؛ تا آنکه با پذیرش واقعی اسلام، به جمع مسلمانان مهاجرت کنند. اگر از این کار سرپیچی کردند، هر کجا گیرشان آوردید، دستگیر و اعدامشان کنید و هرگز از میانشان یار و یابوری نگیرید؛ ۸۹

مگر آنکه به کشوری پناهنده شوند که بین شما و آن‌ها پیمان صلح بسته شده باشد یا درحالی پیشتان بیایند که از جنگ و گریز با شما یا با مردم خودشان به ستوه آمده‌اند. اگر خدا می‌خواست، بر شما مسلطشان می‌کرد و آن وقت با شما می‌جنگیدند. پس اگر کاری به کارتان نداشتند و با شما نجنگیدند، بلکه پیشنهاد صلح و سازش دادند، خدا دیگر اجازه نمی‌دهد به آن‌ها دست‌درازی کنید. ۹۰

به گروه دیگری برمی‌خورید که می‌خواهند هم از طرف شما خاطر جمع باشند و هم از طرف کشور خودشان! هر وقت هم برای فتنه‌گری علیه شما دعوت شوند، با سر می‌روند! اگر این‌ها ول‌کن شما نبودند و پیشنهاد صلح و سازش به شما ندادند و دست از سرتان برنداشتند، هر کجا گیرشان آوردید، دستگیر و اعدامشان کنید. در نبرد با این گروه و نابودی‌شان، دستتان را کاملاً باز گذاشته‌ایم! ۹۱

هیچ مسلمانی حق ندارد مسلمان دیگری را بکشد؛ مگر آنکه از روی اشتباه باشد. حال، هرکس مسلمانی را به اشتباه کشت، باید بردهٔ مسلمانی را آزاد کند و به خانوادهٔ مقتول خون بها بپردازد؛ مگر اینکه آن‌ها خون بها را ببخشند.

اگر مقتول اهل کشوری باشد که دشمن شما مسلمانان اند، ولی خودش مسلمان بوده، آزاد کردن یک بردهٔ مسلمان کافی است؛ اما اگر مقتول اهل کشوری باشد که با کشور شما پیمان صلح بسته‌اند، پرداخت خون بها به خانوادهٔ مقتول و آزاد کردن یک بردهٔ مسلمان، هر دو، لازم است. هر که نمی‌تواند بنده آزاد کند، به جایش دو ماه پشت سرهم روزه بگیرد. این تخفیفی از طرف خداست و خدا دانایی کار درست است. ۹۲

هر که مسلمانی را به عمد و به دلیل نفرت از مسلمانی اش بکشد، مجازاتش جهنم است که آنجا ماندنی است. خدا هم بر او خشم می‌گیرد و لعنتش می‌کند و برایش عذابی بی‌اندازه آماده کرده است. ۹۳

مسلمانان! وقتی برای نبرد در راه خدا عازم جبهه‌ها هستید، در طول سفر حواستان را جمع کنید و به کسی که با زبان به شما اعلام می‌کند: «مسلمانم»، فوری نگویید: «تو مسلمان نیستی» تا به این بهانه او را بکشید و به غنیمت‌های زودگذر مادی برسید!

اگر واقعاً دنبال غنیمتید، غنیمت‌های مادی و معنوی فراوانی پیش خدا هست. شما هم آن ابتدا که خواستید مسلمان شوید، با زبان بیان کردید! و خدا به شما نعمتی بزرگ بخشید که اسلام را در شما درونی کرد. پس حواستان را جمع کنید تا به افراد بی‌گناه آسیبی نرسد؛ زیرا خدا از کارهایتان آگاه است. ۹۴

مسلمانانی که نقص عضو ندارند و به جبهه نمی‌روند، هرگز مساوی نیستند با رزمندگان داوطلبی که با مال و جانشان در راه خدا می‌جنگند. خدا رزمندگانی را که با مال و جانشان می‌جنگند، برتری داده است بر کسانی که در جبهه شرکت نمی‌کنند. البته خدا به همهٔ مسلمانان پاداش‌های شایسته و عده داده است؛ اما رزمندگان اسلام را بر مسلمانانی که در جبهه شرکت نمی‌کنند، با این پاداش ممتاز برتری داده است: رتبه‌های عالی و آموزش و بزرگواری خودش. خدا آمرزندهٔ مهربان است. ۹۵ ۹۶

وقتی فرشتگان جان کسانی را می‌گیرند که با ماندن در دیار کفر به خودشان بد کرده‌اند، از آن‌ها می‌پرسند: «وضع دین داری تان چطور بود؟» جواب می‌دهند: «در سرزمینمان، برای رعایت دین داری، تحت فشار بودیم.» فرشتگان می‌گویند: «مگر زمین خدا پهناور نبود؟ چرا به جاهای دیگر مهاجرت نکردید؟» بنابراین، جایگاهشان جهنم است و آن بد سرانجامی است! ۹۷

فقط مردان و زنان و کودکانی استثنایند که واقعاً در تنگنا به سر می‌برند و چاره‌ای جز ماندن ندارند و راه به جایی نمی‌برند. ۹۸ امید است که خدا از سر تقصیراتشان بگذرد. آخر، خدا خطاب‌بخشی با گذشت است. ۹۹

مسلمانانی که برای حفظ دینشان مهاجرت کنند، سرزمین‌های بسیاری برای زندگی سالم و راحت پیدا خواهند کرد. هر که به قصد مهاجرت به دیاری که دین خدا و رسولش در آن برقرار است، از خانه‌اش خارج شود و بعد، بین راه، مرگ سراغش بیاید، پاداشش با خداست. خدا هم که آمرزندهٔ مهربان است. ۱۰۰

وقتی به مسافرت می‌روید و می‌ترسید که بی‌دین‌ها غافلگیرتان کنند و آسیبی به شما برسانند، اشکالی ندارد که نمازهای چهاررکعتی را شکسته بخوانید؛ زیرا بی‌دین‌ها دشمن علی‌شما نیستند. ۱۰۱

۱. این آیه دربارهٔ نماز مسافر است. در ابتدا، دستور شکسته خواندن نماز، مخصوص مسافری بوده که از دشمن می‌ترسیده است؛ اما بعدها، پیامبر خدا ﷺ اجرای این دستور را برای هر مسافری لازم دانستند. دربارهٔ نماز مسافر و احکام آن، نگاه کنید به آیه‌های ۲۳۸ و ۲۳۹ سوره بقره (ص ۳۹) و نیز رسالهٔ توضیح المسائل مراجع.

وقتی در جبهه، کنار رزمندگان هستی و می‌خواهی برایشان نماز جماعت بخوانی، اول گروهی از رزمندگان به تو اقتدا کنند و سلاحشان همراهشان باشد. بعد از سجده‌های رکعت اول، نیت فرادا کنند و نمازشان را زودتر تمام کنند. آن وقت پشت سرتان بروند و مراقب دشمن باشند تا گروه دیگری که نماز نخوانده‌اند، ببینند و به رکعت دوم تو اقتدا کنند، البته با حفظ آمادگی و همراه داشتن سلاحشان. دشمن منتظر کوچک‌ترین فرصت است که به محض اینکه از اسلحه و امکانات غافل شیدی، یک دفعه به شما حمله کند!

البته اگر به علت بارندگی یا بیماری، حمل سلاح برایتان سخت است، اشکالی ندارد که سر نماز سلاح‌هایتان را زمین بگذارید؛ ولی آمادگی‌تان را کامل حفظ کنید. به یقین، خدا برای دشمنان بی‌دین عذابی خفت‌بار آماده کرده است. ۱۰۲

وقتی می‌خواهید نماز بخوانید، به تناسب موقعیت، با نماز ایستاده یا نشسته یا به پهلو خوابیده، خدا را یاد کنید و وقتی از شر دشمن خاطر جمع شدید، نماز را به طور معمول بخوانید؛ چون نماز، واجبی است که باید آن را در وقتش خواند! ۱۰۳

در تعقیب کردن دشمن سستی و کوتاهی نکنید. در این راه، اگر شمارنج و سختی می‌کشید، آن‌ها هم مثل شمارنج و سختی می‌کشند؛ با این فرق که شما از خدا پیروزی و پاداشی امید دارید که آن‌ها ندارند و خدا دانایی کار درست است. ۱۰۴

ما قرآن دادگستر را به سوی تو فرستادیم تا با راه‌وروشی که خدا در قضاوت یادت داده است، بین مردم داوری کنی. در قضاوت‌هایت هم طرف‌دار خائن نباش. ۱۰۵

۱. نهی‌های شبیه به این که مخاطبش پیامبر ﷺ است، «دفعی» است، نه «رفعی»؛ یعنی برای پیشگیری و هشدار است، نه اینکه گناهی از ایشان سر زده باشد و این‌ها برای بازداشتن او باشد.

همچنین، از خدا آمرزش بخواه که خدا آمرزندهٔ مهربان است. ۱۰۶ دفاع بیجا نکن از مسلمانانی که با کارهای زشت، به خودشان خیانت می‌کنند؛<sup>۱</sup> زیرا خدا خیانتکاران سهل‌انگار را دوست ندارد. ۱۰۷

آن‌ها از مردم خجالت می‌کشند و خیانت‌هایشان را مخفی می‌کنند؛ اما از خدا خجالت نمی‌کشند! درحالی‌که وقتی در جلسه‌های مخفی شبانه برای اثبات بی‌گناهی‌شان نقشه می‌کشند، خدا حاضر و ناظر است. بله، خدا به کارهایشان احاطه دارد. ۱۰۸

گیرم که شما در زندگی این دنیا از آن خیانتکاران طرف‌داری کردید! خب، روز قیامت و در برابر خدا، چه کسی حمایت می‌کند از آنان؟ هان؟! یا چه کسی اوضاعشان را سروسامان می‌دهد؟! ۱۰۹

هرکه کار بدی انجام دهد یا به خودش بد کند، آن وقت از خدا آمرزش بخواهد، خواهد دید که او آمرزندهٔ مهربان است. ۱۱۰ بله، هرکه مرتکب هرگونه سهل‌انگاری شود، فقط به زیان خودش کار کرده است و خدا دانای کاردرست است. ۱۱۱

البته هرکه از او خطایی سر بزند یا مرتکب سهل‌انگاری شود، بعد آن را به شخص بی‌گناهی نسبت دهد، یقیناً زیر بار تهمت و گناه فاحشی رفته است. ۱۱۲ اگر لطف و بزرگواری خدا در حَقّت نبود، گروهی از آن‌ها قصد داشتند از قضاوت عادلانه منحرف کنند! ولی آن‌ها فقط خودشان را منحرف می‌کنند و هیچ ضرری به تو نخواهند زد.

خدا قرآن و حکمت<sup>۲</sup> را بر تو فرستاد و چیزهایی یادت داد که نمی‌توانستی یاد بگیری. بله، لطف خدا به تو بی‌اندازه است. ۱۱۳

۱. یکی از مسلمانان زره مسلمان دیگری را دزدید. دزد بدجنس همین‌که متوجه شد به او ظنن شده‌اند، زره را در خانهٔ کسی انداخت و دزدی را به او نسبت داد! کار به دادگاه کشید. خانواده و خویشان فرد مظنون از پیامبر ﷺ خواستند که به نفع آن‌ها داوری کند! این آیه تا آیهٔ ۱۲۵ دربارهٔ قضاوت نازل شد.

۲. برای توضیح حکمت، نگاه کنید به پاورقی آیهٔ ۱۲۹ سورهٔ بقره (ص ۲۰).

در خیلی از حرف‌های درگوشی‌شان خیری نیست. البته اگر کسی مردم را از این راه به صدقه دادن یا کارهای پسندیده یا اصلاح امور مردم دعوت کند، کار خیر انجام داده است. بله، هرکه برای به دست آوردن رضایت خدا چنین کند، پاداشی بی اندازه به او خواهیم داد. ۱۱۴

از آن طرف، بعد از آنکه حقیقت برای کسی معلوم شد، اگر از در مخالفت با پیامبر خدا دربیاید و راهی جز راه مسلمانان واقعی در پیش بگیرد، در همان راه اشتباهی که انتخاب کرده، رهایش می‌سازیم و با آتش جهنم سرخ و سوخته‌اش می‌کنیم و آن بد سرانجامی است! ۱۱۵

خدا این عقیده را که برایش در کاروبار عالم شریکی قائل باشند، بی توبه نمی‌آمرزد؛ ولی گناهان دیگر را برای هرکه صلاح بدانند، حتی بی توبه می‌بخشد! بله، هرکه برای خدا شریکی قرار بدهد، دچار گمراهی بی پایانی شده است! ۱۱۶

آن‌ها به جای خدا فقط بت‌های بی خاصیت را می‌پرستند. در واقع، فقط شیطان سرکش را می‌پرستند ۱۱۷ که خدا لعنتش کرده است. او با گستاخی گفته: «از میان بندگانت، سهم معینی را حتماً به فرمان خودم درمی‌آورم، ۱۱۸ مسلماً آن‌ها را به گمراهی می‌کشم، قطعاً با آرزوهای دورودراز سرگرمشان می‌کنم و صد البته دستورشان می‌دهم به خرافات؛ مثلاً گوش حیوان چهارپا را بشکافند تا مقدس شود!»<sup>۱</sup> و بی شک دستورشان می‌دهم تا آفرینش خدا را دست‌کاری کنند.<sup>۲</sup>

بله، آن‌هایی که زیر چتر دوستی شیطان بروند نه خدا، به ورشکستگی جبران‌ناپذیر افتاده‌اند؛ ۱۱۹ زیرا شیطان وعده پوچ به آن‌ها می‌دهد و در دام آرزو گرفتارشان می‌کند؛ حال آنکه وعده‌هایش همه گول‌زننده است. ۱۲۰ آن‌ها جایگاهشان جهنم است و هیچ راه فراری از آن پیدا نمی‌کنند. ۱۲۱

۱. اما با توبه، خدای مهربان همه گناهان را می‌بخشد: آیه ۵۳ سوره زمر (ص ۴۶۴).

۲. بیشتر مردم هند هم اکنون گاو را حیوانی مقدس می‌دانند.

۳. مانند تغییر جنسیت، همجنس‌بازی، اعتیاد، تخریب محیط زیست، انتشار گازهای گلخانه‌ای، استفاده ناپجا و افراطی از مواد و عناصر طبیعی در ساخت تسلیحات ممنوعه، سقط جنین، گسترش خوراکی‌های ناسالم، زیاده‌روی در جراحی زیبایی و لاغری، غرق کردن مردم در فضای مجازی و دور کردنشان از زندگی واقعی و... .



اما مسلمانانی را که کارهای خوب کرده‌اند، در باغ‌های پردرختی جای می‌دهیم که در آن‌ها جوی‌ها روان است و همیشه آنجا ماندنی‌اند. خدا وعده‌ای داده که راستِ راست است. از خدا راست‌گوتر کیست؟! ۱۲۲

امتیازخواهی و برتری‌جویی نه به دلخواه شماست نه به دلخواه اهل کتاب! ملاکش عمل است: آن‌هایی که کار زشتی بکنند، به سزایش مجازات می‌شوند و در پیشگاه خدا برای خودشان یار و یآوری پیدا نمی‌کنند. ۱۲۳ آن‌هایی هم که کارهای خوب بکنند، به شرط باایمان بودن، چه مرد باشند چه زن، وارد بهشت می‌شوند و به اندازهٔ سِر سوزنی به آن‌ها ستم نمی‌شود! ۱۲۴

چه کسانی در دین‌داری بهتر از آن‌هایی‌اند که خودشان را با تمام وجود، تسلیم خدا کرده‌اند و دنباله‌رو دین ابراهیم میانه‌رو هستند؟! البته با این قید که نیکوکار هم باشند. خدا ابراهیم را دوست خود می‌دانست. ۱۲۵ آنچه در آسمان‌ها و زمین است، فقط مال خداست و خدا به همه چیز و همه کس احاطه دارد. ۱۲۶

پیامبر! دربارهٔ حقوق ارث و ازدواج بانوان توضیح بیشتری از تو می‌خواهند. بگو: «خداست که دربارهٔ بانوان و حقوق دختران بدون پدر جواب می‌دهد. در ابتدای همین سوره هم قسمتی از آن برایتان خوانده شد.

آن دختران را از حقوق فردی و اجتماعی<sup>۱</sup> محروم می‌سازید و خودتان هم از ازدواج با آن‌ها دوری می‌کنید! همچنین، دربارهٔ پسران کم‌سئی<sup>۲</sup> که از ارث محروم‌شان می‌کنید<sup>۳</sup> و اینکه به‌طور کلی با یتیمان چطور به عدالت رفتار کنید، خدا برایتان توضیح می‌دهد. البته هر کار خوبی که برای بانوان و پسران و یتیمان بکنید، خدا آن را می‌داند.» ۱۲۷

۱. یعنی نه ارثشان را در اختیارشان می‌گذارید و نه اجازهٔ ازدواج به آن‌ها می‌دهید.

۲. مردم زمان جاهلیت ارث فرزندان کم‌سن‌وسال را نمی‌دادند و می‌گفتند: «ما به کسی ارث می‌دهیم که به جنگ رفته و با دشمن جنگیده و از حریف خانواده و طایفه دفاع کرده باشد.»

اگر زنی نشانه‌های ناسازگاری یا بی‌مه‌ری در شوهرش ببیند، بد نیست که با کوتاه آمدن از بعضی حقوق خود، با شوهرش به خوبی سازش کند؛ چون که به هر حال، صلح بهتر از اختلاف و جدایی است. بماند که خودخواهی و تنگ نظری در وجود انسان‌ها، مانع گذشت و بزرگواری‌شان می‌شود! البته اگر با بانوانتان خوش رفتاری کنید و مراقب رفتارشان باشید، خدا از این رفتارشان آگاه است. ۱۲۸

شما مردانی که چند همسر دارید، اگر خودتان را هم بکشید، محال است بتوانید علاقه مساوی به همه آن‌ها داشته باشید! ولی خب اگر یکی از آن‌ها را کمتر دوست دارید، رابطه سردی با او در پیش بگیرید و مثل زنی بی‌شوهر، به حال خودش رهاش نکنید! اگر با بانوانتان مهربانی کنید و مراقب رفتارشان باشید، خدا هم چهره‌آمرزنده و مهربانش را نشانتان می‌دهد. ۱۲۹

اگر زن و شوهری ناچار به طلاق شوند، خدا با پیدا کردن همسری مناسب برای هر کدامشان، در سایه رحمت گسترده خودش بی‌نیازشان می‌کند؛ چون خدا روزی گستر کاردرست است ۱۳۰ و چون آنچه در آسمان‌ها و زمین است، فقط مال خداست.

هم به اهل کتاب که قبل از شما زندگی می‌کردند و هم به شما مسلمانان سفارش کرده و می‌کنیم که در مسائل همسرداری، مراقب رفتارشان باشید. اگر به این سفارش‌های سودمند گوش ندهید، دودش به چشم خودتان می‌رود. آخر، آنچه در آسمان‌ها و زمین است، فقط مال خداست و او بی‌نیاز ستودنی است. ۱۳۱

بله، آنچه در آسمان‌ها و زمین است، فقط مال خداست و همین بس که چنین خدایی همه‌کاره عالم باشد ۱۳۲ و همین خدا اگر ببیند نالایقید، مردم! شما را از بین می‌برد و به جایتان مردم دیگری به وجود می‌آورد. بله، خدا می‌تواند چنین کند. ۱۳۳

هر که خوشبختی دنیا می‌خواهد، بداند که خوشبختی دنیا و آخرت پیش خداست. خدا نیازهایتان را می‌شنود و می‌بیند. ۱۳۴

۱. عدالت در این آیه، درباره‌ی علاقه قلبی و گرایش درونی است که رعایتش واجب نیست؛ زیرا در اختیار انسان نیست. البته این نباید بهانه‌ای باشد که مرد طوری به بعضی زنان توجه کند که از زنان دیگرش غافل شود و آن‌ها احساس بی‌شوهری کنند؛ اما عدالت در آیه ۳ همین سوره، درباره‌ی مادیات و حقوق همسرداری است؛ مانند تأمین هزینه زندگی، مسکن، پوشاک، مسافرت و مسائل زناشویی. رعایت آن عدالت واجب است که آن هم از عهده برخی مردان برمی‌آید.

۲. بعد از آمدن این آیه، پیامبر ﷺ دست مبارکش را به پشت شانه سلمان فارسی زد و به حاضران فرمود: «آن ملتی که می‌آیند و در قبول اسلام و دعوت الهی، از شما عرب‌ها جلو می‌افتند، هم‌وطنان این مرد هستند.»

مسلمانان! در راه اجرای عدالت با تمام توان ایستادگی کنید و هر جا لازم است، برای رضای خدا شهادت دهید؛ هر چند به ضرر خودتان یا پدر و مادرتان یا خویشانتان باشد.

ثروت یا فقر هر یک از دو طرف دعوا در گواهی تان تأثیری نگذارد؛ چون برای حمایت از آنان، خدا اولویت دارد. پس برای اینکه طبق عدالت رفتار کرده باشید، دل بخواهی ملاحظه کسی را نکنید. اگر با زبان بازی شهادت ناحق دهید یا از زیر بار شهادت دادن شانه خالی کنید، خدا از این کارهایتان آگاه است. ۱۳۵

مسلمانان! واقعاً باور داشته باشید خدا را و پیامبرش را و قرآنی را که بر او فرستاده و کتاب‌های آسمانی را که قبلاً فرستاده است. هر که خدا، فرشتگان‌ش، کتاب‌هایش، پیامبرانش و روز قیامت را باور نداشته باشد، دچار گمراهی بی‌پایانی شده است. ۱۳۶

کسانی که اسلام بیاورند، آن وقت بی‌دین شوند، بعد دوباره اسلام بیاورند، باز بی‌دین شوند و با کارهای ناپسند، بی‌دینی‌شان را تشدید کنند، محال است خدا آن‌ها را بیامزد یا به راه بهشت ببرد. ۱۳۷

به این منافقان مژده بده که عذاب زجرآوری چشم‌به‌راهشان است! ۱۳۸ همان‌هایی که با دشمنان بی‌دین طرح دوستی می‌ریزند، نه با مسلمانان. که چه بشود؟ که عزت و آبرو از آن‌ها گدایی کنند؟! نخیر! عزت و آبرو یکسره دست خداست. ۱۳۹

خدا این مسئله را برایتان توضیح داده است<sup>۱</sup> که هر وقت در مجلسی بودید و شنیدید که آیه‌هایش را انکار و تمسخر می‌کنند، با آن‌ها همنشین نکنید، مگر که مشغول حرفی دیگر شوند؛ وگرنه شما هم در عمل مثل آن‌ها خواهید بود!<sup>۲</sup> بله، خدا همه منافق‌ها و بی‌دین‌ها را در جهنم جمع خواهد کرد. ۱۴۰

۱. برای مطالعه بیشتر، نگاه کنید به آیه ۹۰ سوره آل عمران (ص ۶۱).

۲. در آیه ۶۸ سوره انعام (ص ۱۳۵). در آنجا «رؤیت» (دیدن) آمده است و در اینجا «سماع» (شنیدن). بنا بر این دو آیه، حکم شنیدن و دیدن انکار و دست‌انداختن معارف و احکام خدا برابر است با گفتن آن‌ها!

۳. در برابر انکار و تمسخر دین خدا، اگر سکوت کنیم و بنشینیم، دو گناه کرده‌ایم: ۱. ترک نهی از منکر؛ ۲. حضور در مجلس حرام. این ممنوعیت شامل فضای مجازی و رسانه‌ای هم می‌شود.

منافق‌ها کسانی‌اند که با فرصت‌طلبی، چشم‌به‌راه اتفاقاتی‌اند که برایتان پیش می‌آید: اگر پیشرفتی از طرف خدا به دست آورید به شما می‌گویند: «مگر ما با شما نبودیم؟!» اما اگر موفقیتی نصیب دشمنان بی‌دین شود، به آن‌ها می‌گویند: «مگر به سودتان جنگ روانی راه نینداختیم و از پیوستن شما به مسلمانان منتان نکردیم؟!» خدا، روز قیامت، بینتان داوری می‌کند. البته خدای برای تسلط کامل بی‌دین‌ها بر مسلمانان باز نخواهد کرد. ۱۴۱

منافق‌ها به خیال خودشان می‌خواهند خدا را فریب دهند؛ درحالی‌که او فریبشان را به خودشان برمی‌گرداند.<sup>۱</sup> وقتی به نماز می‌ایستند، با بی‌حالی به نماز می‌ایستند! در برابر مردم ریا می‌کنند و ذکر خدا را فقط ظاهری و بی‌محتوا می‌گویند!<sup>۲</sup> ۱۴۲

منافق‌ها بین دین‌داری و بی‌دینی هاج‌وواج شده‌اند! بیشتر مردم هم نمی‌فهمند که آن‌ها آخرش با مسلمانان‌اند یا با بی‌دین‌ها! بله، کسانی که خدا به حال خود رهایشان کند، دیگر راهی برای نجاتشان پیدا نخواهی کرد. ۱۴۳

مسلمانان! به جای مسلمانان با دشمنان بی‌دین طرح دوستی نریزید. می‌خواهید با این کار دلیل واضحی علیه خودتان دست خدا بدهید؟! ۱۴۴

منافق‌ها در قعر جهنم‌اند و دیگر هیچ یآوری برایشان نخواهی یافت! ۱۴۵  
مگر کسانی که توبه کنند، کارهای نادرستشان را جبران سازند، خودشان را به خدا بسپارند و فقط برای خدا دین‌داری کنند که در این صورت، آن‌ها در کنار مؤمنان قرار می‌گیرند و خدا به مؤمنان پاداشی بزرگ خواهد داد. ۱۴۶ اگر شکرگزار نعمت‌های خدا و باایمان باشید، چرا خدا باید عذابتان کند؟! خدا که قدرشناسی آگاه است. ۱۴۷

۱. منافق‌ها با فریب‌کاری، تظاهر به اسلام و ایمان می‌کنند تا از این فرصت سوءاستفاده کنند؛ اما خدا بارها کردن آن‌ها به حال خودشان و در نتیجه، غرق شدنشان در منجلاب گناه و بدبختی، فریبشان را به خودشان برمی‌گرداند؛ یعنی همین فریب‌کاری‌شان مایهٔ بدبختی‌شان می‌شود.

۲. منافق فقط برای مال و مقام دنیوی ذکر خدا بر لب دارد، حتی اگر دائم‌الذکر باشد؛ و الا اگر ذکر خدا از روی اخلاص باشد، کم و کوتاهش هم پذیرفته می‌شود و چیزی را هم که خدا ببیند، کم نیست.